

# تدبیر کردن در قرآن

مؤلف: اسماء بنت راشد الرويشد

مترجم: پدram اندایش



## تدبر کردن در قرآن // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله

تعالی است، او را حمد گفته و از او

کمک می طلبیم و از او طلب

آموزش

می نماییم. پناه می بریم به الله تعالی

از شرّهای درونیمان و نتیجه‌ی بد

اعمالمان. کسی را که الله تعالی

هدایت فرماید، گمراه کننده‌ای ندارد

و کسی را که گمراه سازد، هدایت

## 112 // تدبر کردن در قرآن

کننده‌ای ندارد.

گواهی می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: 103] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله به

### تدبر کردن در قرآن // 3

اندازه حق تقوایش، تقوا پیشه کنید  
و نمیرید مگر آن که مسلمان  
بمیرید).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ  
الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ  
مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا  
وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ  
وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾

[النساء: 1] (ای انسانها از

پروردگارتان بترسید و تقوا پیشه

#### 4// تدبر کردن در قرآن

کنید! کسی که شما را از یک تن  
آفرید و از او همسرش را آفرید و  
از آن دو مردان و زنان زی‌مادی را  
انتشار داد و از الله تقوا پیشه کنید  
که به اسم او از یکدیگر طلب می-  
کنید و [از الله بترسید که] صله‌ی  
رحم [را قطع کنید] همانا الله شما را  
زیر نظر دارد).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا  
اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ

## تدبر کردن در قرآن 5//

لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ  
وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ  
فَوْزًا عَظِيمًا ﴿ [الأحزاب: 70، 71]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از  
الله بترسید و تقوا پیشه کنید و  
سخن حق و درست بگویید \*  
اعمال شما را اصلاح می‌کند و  
گناهان شما را می‌آمرزد و کسی که  
از الله و فرستاده‌اش اطاعت کند  
همانا به کامیابی بزرگی دست یافته

## 6// تدبر کردن در قرآن

است).

أما بعد:

قرآن کریم، همان کتابی است

که بر فرستاده‌ی اله بین الله تعالی ﷻ

نازل شده است، تا مردم توسط آن

از تاریکی‌ها به نور سوق داده

شوند، همان گونه که الله تعالی می -

فرماید: ﴿الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ

لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ

## تدبر کردن در قرآن 7//

الْحَمِيدِ ﴿ [إبراهيم: 1] (الف، لام، را،  
کتابی که آن را نازل نمودیم تا مردم  
را به اذن پروردگارشان، از  
تاریکی‌ها خارج کند و به نور  
[برساند که همان] راه [خداوند] پر  
عزت بسیار ستوده شده [می‌باشد]).  
آن روحی است که قلبها  
توسط آن زنده می‌شوند و نوری  
است که روشن می‌نماید و  
پرتوافشانی می‌کند، همان گونه که

الله جل جلاله آن را وصف می‌نماید

و می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا

إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ

تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ

جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ

عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ﴾ [الشوری: 52] (ولین

چنین است که روحی از امر ما را

بر تو وحی نمودیم، نمی‌دانستی

کتاب (قرآن) چیست و ایمان

## تدبر کردن در قرآن // 9

چیست ولی آن را نوری قرار دادیم  
که توسط آن هر که از بندگانمان را  
که بخواهیم هدایت می‌نماییم و  
همانا تو [به اذن پروردگار] به  
سوی راه مستقیم هدایت می‌کنی).

الله تعالی قرآن را نوری نازل  
فرمود که چراغهای آن خاموش  
نمی‌شود و راه و روشی قرار داده  
است که کسی که آن را بپیماید  
گمراه نمی‌شود؛ آن معدن ایمان

## 10 // تدبر کردن در قرآن

است و آن سرچشمه‌ی علم،  
دریایی است که تمام نمی‌شود و  
دارویی است که بعد از آن مریضی  
وجود ندارد، آن ریسمان محکم  
الهی است و یاد الله بسیار با  
حکمت می‌باشد و راه مستقیم  
است، آن حقی است که یاوه‌گویی  
در آن راه ندارد، الله تعالی از روی  
حق آن را نازل نمود و از روی  
حق نازل شده است، کسی که به آن

## تدبر کردن در قرآن // 11

عمل کند، اجر می‌برد و کسی که به آن حکم کند، عادل می‌باشد و کسی که به سوی آن دعوت کند، به راه مستقیم هدایت شده است؛ الله تعالی توسط آن گروه‌هایی را بالا می‌برد و گروه‌هایی دیگر را ضایع می‌گرداند.

کتاب الله تعالی به مانند روح در زندگی است و نوری برای هدایت می‌باشد؛ پس کسی که آن

## 12 // تدبر کردن در قرآن

را نخواند و به آن عمل ننماید، او زنده نیست، حتی اگر سخن بگوید یا عملی انجام دهد یا شب و روز به حرکت بیافتد؛ بلکه او مرده‌ای بیش نیست.

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ

وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ

مِنْهَا﴾ [الأنعام: 122] (آیا کسی که

مرده است و او را زنده می‌کنیم و

## تدبر کردن در قرآن // 13

برای او نوری قرار می‌دهیم که با آن بین مردم، راه را می‌پیماید به مانند کسی است که در تاریکی‌ها می‌باشد و از آن خارج نمی‌شود).

در قرآن شفا وجود دارد و آن شفائی برای قلبها و جسمها می‌باشد:

﴿وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82] (و

از قرآن نازل می‌کنیم چیزی را که شفا

## 14 // تدبر کردن در قرآن

و رحمتی برای مؤمنان است).

شفائی بر وسوسه، ترس و

اضطراب؛ زیرا توسط آن قلب به

پروردگار، خالق و آفریننده‌اش

وصل می‌شود و توسط آن آرامش

می‌گیرد و اطمینان خاطر می‌یابد؛

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

[الرعد: 28] (آگاه باشید که باید

الله قلبها اطمینان خاطر می‌یابد)

پس آن شفائی بر وسوسه‌ها و

## تدبر کردن در قرآن // 15

دسیسه‌های شیطان است.

ابن قیم گفته است: «شفائی

برای قلبها از بیماری جهل، شک و

تردید می‌باشد و الله سبحانه از

آسمان شفائی را عامتر و پُر

منفعت‌تر و سریع‌الدرمان‌تر از قرآن

برای از بین بردن بیماری نفرستاده

است.»

گاهی شخص دچار سختی و

تنگی می‌شود و ترس او را در بر

## 16 // تدبر کردن در قرآن

می‌گیرد و دردمندی او شدت می‌یابد؛ راحتی را پیدا نمی‌کند، مگر در تکرار نمودن بعضی آیات قرآن: ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾ [الإسراء: 45] (و هنگامی که قرآن می‌خوانی بین تو و بین کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم).

## تدبر کردن در قرآن // 17

مسلمان قرآن می‌خواند و در این هنگام است که قرآن با آرامش و اطمینان خاطر قلب و اعضای بدن او را آباد می‌کند، سپس جان در حالتی قرار می‌گیرد که به آنچه از مصیبت به وی برسد به آن اعتنایی نمی‌کند و گله‌مند نخواهد شد و او این سخن پروردگارش را قرائت می‌کند: ﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا﴾ [التوبة:]

**[51]** (بگو: هرگز مصیبتی به ما نمی‌رسد، مگر آنچه را که الله برای ما [در لوح محفوظ] نوشته است، او مولای ماست).

توسط آن ضعف و بدی دود می‌شود و از بین می‌رود و برای نفس آشکار می‌شود که آنچه در انسان از اوهام وجود دارد، بیشتر از آنچه است که از حقیقت وجود دارد و در داخل نفسش احساس

## تدبر کردن در قرآن // 19

شکست می‌کند، قبل از آن که  
واقعیت‌های زندگی او را شکست  
دهد.

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ  
النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ  
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ  
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ \* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ  
اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهْمُ سُوٌّ﴾ [آل  
عمران: 173، 174] (کسانی که

مردم به آنها گفتند: همانا مردم بر

## 20 // تدبر کردن در قرآن

علیه شما جمع شده‌اند، پس از آنها  
بترسید، در نتیجه‌ی [این سخن]  
ایمان آنها زیاد شد و گفتند: الله  
برای ما کافی است و نگهبان  
نیکویی می‌باشد \* با نعمتی از  
طرف پروردگار و بخششی  
بازگشتند و بدی به آنها نرسید [و  
نخواهد رسید].

همانا ما از موضع مسلمان به  
تعجب می‌افتیم؛ تاریکی‌ها او را فرا

## تدبر کردن در قرآن // 21

گرفته و او در آن دست و پا می زند  
در حالی که کتابی از جانب  
پروردگارش در دست اوست که  
نور و روشنگری می باشد و همان  
راه مستقیم است؛ پیامبر ﷺ فرموده  
است: «أبشروا، أبشروا! أليس  
تشهدون أن لا إله إلا الله وأنى  
رسول الله؟!» (بشارت دهید!  
بشارت دهید! آیا گواهی نمی دهید  
که پرستش شوندى برحقى جز الله

## 22 // تدبر کردن در قرآن

وجود ندارد و من فرستاده‌ی الله هستم؟) گفتند: بله، فرمود: «فإن هذا القرآن سبب طرفه بید الله، و طرفه بأیدیکم؛ فتمسکوا به؛ فإنکم لن تضلوا ولن تهلكوا بعده أبداً» (این قرآن ریسمانی است که یک طرف آن در دست الله است و طرف دیگرش در دست شما، پس به آن تمسک جوید که در این حالت هرگز ز گمراه نمی‌شوید و

## تدبر کردن در قرآن // 23

هرگز بعد از آن تا ابد، هلاک نمی-  
شوید).

بله آن نجات، نور و هدایت  
است؛ ولی برای کسی که در آن  
تدبر کند و آن را بشناسد و در آن  
تفکر نماید.

باید آن را برداشت و  
مرزهایش را حفظ نمود تا برای او  
شادی و آرزویی به دنبال داشته  
باشد؛ آن بخششی است که

## 24 // تدبر کردن در قرآن

بخششی بالاتر از آن وجود ندارد و شرفی است که بعد از آن شرفی وجود ندارد.

پیامبر ﷺ فرموده است:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»

(بهترین شما کسی است که قرآن را

بیاموزد و آن را آموزش دهد).

الله تعالی می فرماید: ﴿قُلْ

بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ

فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾

## تدبر کردن در قرآن // 25

[یونس: 58] (بگو: به فضل الله و  
به رحمت اوست که برای آن  
[قرآن] باید شاد شوند که از آنچه  
جمع کرده‌اند، بهتر می‌باشد).

أبو سعید خدری رضی الله عنه گفته  
است: «فضل الله قرآن است و  
رحمت او قرار دادن شما از اهل آن  
[قرآن] می‌باشد».

ابن عباس، حسن و قتاده  
گفته‌اند: «فضل او اسلام است و

## 26 // تدبر کردن در قرآن

رحمت او قرآن».

بله، آن بهتر از آن طلا، مال  
و کالایی است که جمع نموده‌اند؛  
زیرا آن فنا نمی‌شود و فضل قرآنی  
که برپا است تا روز قیامت باقی  
می‌ماند.

پيامبر ﷺ فرموده است:

«اقرووا القرآن؛ فإنه يأتي يوم

القيامة شفيحاً لأصحابه» (قرآن را

بخوانید زیرا او در روز قیامت در

## تدبر کردن در قرآن // 27

حالی می آید که شفاعت کننده‌ای  
برای یارانش می باشد).

بلکه فضل آن بیشتر و باقی -

تر ادامه می یابد: به مرتبه‌ی والایی  
که اولین‌ها و آخرین‌ها به آن  
حسادت می کنند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «يقال

- یعنی لصاحب القرآن: اقرأ وارق

ورتل كما كنت ترتل في الدنيا؛

فإن منزلتك عند آخر آية تقرأها»

(گفته می‌شود - یعنی کسی که  
همنشین قرآن است - بخوان و  
بالا برو و ترتیل نما همان گونه که  
در دنیا آن را به ترتیل می‌خواندی،  
پس منزل تو آخرین آیه‌ای است  
که آن را قرائت نمایی).

یکی از پیشینیان گفته است:  
«همنشین قرآن کسی است که به  
آن عالم می‌باشد و به آنچه در آن  
است عمل می‌کند حتی اگر از ته

## تدبر کردن در قرآن // 29

دل آن را حفظ نکرده باشد و اما کسی که آن را حفظ کند و آن را نفهمد و به آن عمل نکند، از اهل آن نمی‌باشد، حتی اگر حروف آن را درست برپا دارد و آن برپا داشتن تیرها می‌باشد».

عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته

است: «حفظ نمودن قرآن، حفظ حروف آن نیست، بلکه برپا داشتن مرزهای تعیین شده در آن است».

الله عَلَيْكُمْ آن را از بالای  
آسمانهای هفتگانه نازل فرموده  
است تا در آن تدبر و تعقل صورت  
گیرد و نه فقط برای تلاوتی که  
قلب در آن غافل می‌باشد: ﴿كِتَابٌ  
أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾  
[ص: 29] (کتابی مبارک به سوی  
تو نازل نمودیم تا در آیاتش تدبر  
صورت گیرد). همچنانکه الله تعالی  
می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَّبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ

## تدبر کردن در قرآن // 31

عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿﴾ [محمد: 24]  
(پس چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند،  
آیا بر قلبهایشان قفلهایشان زده  
شده است).

تدبر همان: فهم آن چیزی  
است که از تلاوت قرآن حاصل  
می‌شود، همراه با حضور قلب و  
فروتنی جوارح و عمل به مقتضای  
آن.

توصیف آن: قلب مشغول

## 32 // تدبر کردن در قرآن

فکر کردن در معنای چیزی شود که زبان آن را تلفظ می‌کند؛ در هر آیه معنای آن را بشناسد و به دنبال آیه‌ی بعدی نرود مگر آن که معنا و منظور آن آیه را بشناسد.

حسن بصری گفته است:

«کسانی قبل از شما قرآن را نامه -

هایی از طرف پروردگارشان دیدند؛

در شب در آن تدبر می‌کردند و در

روز آن را به اجرا می‌گذاشتند».

### تدبر کردن در قرآن // 33

به طور مثال کسی این سخن

الله سبحانه را می‌خواند: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ

نَارًا﴾ [التحریم: 6] (ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، خودتان و اهلتان

را از آتش جهنم حفظ کنید!).

بر هر شخصی است که به

اهلش بنگرد، به نماز آنها و به

روزه‌ی آنها و حجابی که برای زنان

است و همچنین طهارت آنها؛ در

### 34 // تدبر کردن در قرآن

اهلش جستجو کند و مسئولیت آنها را چه کوچک باشند و چه بزرگ به عهده بگیرد و مسئولیت، در آموزش دادن آنها و راهنمایی کردن آنها می‌باشد.

شایسته‌ی مؤمن است: قرآن را با دقت و فهم بخواند و کوشش او فهم آنچه الله تعالی در امر و نهی قرار داده است، باشد و نبلید کوشش او این باشد که چه زمانی

## تدبر کردن در قرآن // 35

سوره به پایان می‌رسد؟!!

بلکه کوشش او بلید لیدن

باشد که چه زمانی از پرهیزگاران

می‌شود؟! چه زمانی از احسان<sup>۱</sup>

کاران می‌شود؟! چه زمانی از توکل

---

<sup>1</sup> - احسان در معنای عام آن به معنای

نیکوکاری است ولی در معنای خاص به

این معناست که عبادت کننده، الله تعالی

را طوری عبادت کند که گویی او را می-

بیند. (مترجم)

## 36 // تدبر کردن در قرآن

کنندگان می‌شود؟! چه زمانی از  
فروتنان می‌شود؟! چه زمانی از  
صبرکنندگان می‌شود؟! چه زمانی  
از ترسندگان می‌شود?!

چه زمانی نسبت به دنیا بی -

اعتنا می‌شود و به آخرت رغبت

پیدا می‌کند؟! چه زمانی توبه می -

کند؟! چه زمانی شکر می‌نماید?!

چه زمانی در راه الله تعالی به

اندازه‌ی حق جهادش جهاد می -

## تدبر کردن در قرآن // 37

کند؟!

چه زمانی زبانش را حفظ

می‌کند؟! چه زمانی برای آخرت

توشه بر می‌گیرد؟!

چه زمانی با بازداشتن قرآن

پند می‌گیرد؟!

چه زمانی با یاد نمودن آن از

مشغولیت به یاد نمودن چیزهای

دیگر فارغ می‌شود؟!

در نتیجه این امور احتیاج

دارند که فهم صورت گیرد و قلب حاضر باشد و به مقتضای آن عمل صورت گیرد.

حسن گفته است: «ای فرزند

آدم! چگونه قلبت رقت می‌یابد در

حالی که کوشش تو فقط این است

که چه زمانی به آخر سوره می‌-

رسی؟!».

الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ

أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ﴿البقرة: 121﴾

(کسانی که کتاب را به آنها داده‌ایم  
[و] آن را به اندازه‌ی حق تلاوتش،  
تلاوت می‌کنند، آنان هستند که به  
آن ایمان آورده‌اند).

قرطبی درباره‌ی معنای

﴿يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ گفته است:

«از آن تبعیت می‌کنند، آنچنان که

حق تبعیت کردن از آن وجود دارد

و آن با تبعیت از امرها و نهی -

کردن‌های آن و حلال دانستن  
حلالش و حرام دانستن حرامش و  
عمل کردن به مقتضای آن ه ی -  
باشد»؛ آن را عکر مه و دیگران  
گفته‌اند.

عکر مه گفته است: آیا

نشنیدی که الله ﷻ ه ی فرماید:

﴿وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا﴾ [الشمس: 2]

(قسم به ماه! هنگامی که در پس

آن ه ی رود). یعنی از آن تبعیت

## تدبر کردن در قرآن // 41

می‌کند.

هرچه بنده به کتاب  
پروردگارش با تدبر و فهم رجوع  
کند، کسی می‌شود که به آنچه در  
آن است عمل می‌کند و امرهای آن  
را به اجرا در می‌آورد و در نتیجه  
این عمل، علم او زیاد می‌شود؛ الله  
تعالی می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ  
وَيَعْلَمَ اللَّهُ﴾ [البقره: 282] (و از  
الله بترسید و تقوا پیشه کنید و الله به

شما می‌آموزد؛ در نتیجه تقوای از  
الله تعالی وسیله‌ای برای بدست  
آوردن علم می‌باشد، همان گونه که  
الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ  
فُرْقَانًا﴾ [الأنفال: 29] (ای کسانی  
که ایمان آورده‌اید اگر از الله بترسید  
و تقوا پیشه کنید برای شما قدرت  
جدا کردن حق از باطل قرار می‌دهد).  
به این معنا که علم می‌قرار

## تدبر کردن در قرآن // 43

می دهد که با آن بین حق و باطل  
جدایی می اندازید.

با زیاد کردن نگرستن در آن  
و متمرکز کردن فکر به معانی آیات  
آن، بنده از معانی خیر و شرّ اطلاع  
می یابد و از حال اهل آن دو مطلع  
می شود و در بین امتها حاضر می -  
شود و تاریخ الله تعالی را می نگرد؛  
غرق شدن قوم نوح را می بیند و از  
صاعقه‌ی عاد و ثمود آگاه می شود

## 44 // تدبر کردن در قرآن

و غرق شدن فرعون و در زه بین  
فرو رفتن قارون را می‌شناسد. با  
تدبر در قرآن شخص با آخرت  
خود زندگی می‌کند، در حالی که  
در آن است و از دنیا جدا می‌شود  
در حالی که خارج آن می‌باشد؛ در  
نتیجه در مسیری قرار می‌گیرد که  
مردم در آن مسیر نمی‌باشند.

یا الله! چقدر کم می‌باشند،

اهل آن و کسانی که آن راهی -

## تدبر کردن در قرآن // 45

شناسند! اگر برویم و در کسانی که  
آن راه می‌شناسند و با حق و  
صادقانه به آن عمل می‌کنند  
جستجو کنیم، چشم ما از طلب  
کردن باز می‌ایستد.

در واقع مردم لین قرآن را  
ترک کرده‌اند و آن را با چیزی  
عوض کرده‌اند که پایین‌تر از آن در  
خیر می‌باشد؛ کتابها، مجلات،  
داستانها و حکلیاتی است که

درباره‌ی دنیا می‌باشند و در آن در  
صبح و شام موج زده می‌شود، لیدن  
عمل آنها، سوگند به الله همان است  
که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَطِعْ  
أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ  
سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [الأنعام: 116] (اگر از  
بیشترین اهل زمین اطاعت کنی تو  
را از راه الله گمراه می‌سازند)، ﴿وَمَا  
يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَأَ  
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ [يونس: 36]

## تدبر کردن در قرآن // 47

(و بیشتر آنها از چیه زی تبعیت  
نمی‌کنند مگر از روی ظن و گمان،  
همانا ظن و گمان ذره‌ای [انسان را]  
از حق بی‌نیاز نمی‌کند).

تمامی مسلمانان درباره‌ی  
کتاب پروردگارشان کوتاهی می‌کنند -  
تا آنجا که یکی از آنها قرآن  
را ختم می‌کند، سپس از آن در  
حالتی فارغ می‌شود که به مانند  
اول باری است که آن را باز می‌کند -

کند، ذره‌ای از معانی آن را نمی‌فهمد. همانا تمامی مسلمانان در نیکی کردنشان با قرآن کوتاهی می‌کنند، فقط هدف آنها این است که مخارج حروف آن را ادا کنند، آن را در عزاداری‌ها استفاده می‌کنند یا در مجالس و جمع‌هایشان آن را آویزان می‌کنند یا توسط آن جاه و مال را طلب می‌کنند یا به حالت گردن‌بند در گردن‌هایشان

## تدبر کردن در قرآن // 49

آویزان می‌کنند و یا آن را بر سینه -  
هایشان آویزان می‌نمایند.

فاروق رضی الله عنه گفته است: «ای

مردم! زمانی فرارسید و من  
پنداشتم که کسی که قرآن می‌خواند  
فقط برای الله و آنچه در نزد وی  
است، آن را می‌خواند؛ آگاه باشید  
که به من گفته شد: گروه‌هایی  
هستند که قرآن می‌خوانند و آن  
چیزی را [از آن] می‌خواهند که در

## 50 // تدبر کردن در قرآن

نزد مردم است [و برای کسب ثواب  
آن را نمی‌خوانند]؛ آگاه باشید که  
قرآن را بخوانید و با قرائت خود الله  
را بخواهید و او را توسط عمل  
نمودنتان [به قرآن] بخواهید».

چه بسیار کسانی هستند که  
قرآن می‌خوانند و قرآن آنان را لعنت  
می‌کند! چه بسیار ظالمانی هستند که  
زورگویی می‌کنند و قرآن می‌خوانند و  
قرآن آنان را لعن می‌کند؛ ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ

## تدبر کردن در قرآن // 51

عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿ هود: 18 ﴾ (آگاه باشید  
که لعنت الله بر ستمگران است).

در حالی که دروغ می گوید،  
قرائت می کند: ﴿فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى  
الْكَاذِبِينَ﴾ [آل عمران: 61] (لعنت الله را  
بر دروغگویان قرار می دهیم).

سبحان الله! قلبهای ما چه کار  
می کنند ای بندگان الله! لیهن قسوت  
قلب، در هنگام تلاوت کتاب الله تعالی  
از کجا آمده است؟! این قفلها بر قلبها

## 52 // تدبر کردن در قرآن

چیست؟! پندهایی تلاوت می‌شود و  
عبرت‌هایی شنیده می‌شود و سوره‌ای  
خوانده می‌شود ولی از گوش راست  
وارد می‌شود و از گوش چپ خارج  
می‌گردد!!

کدام یک از ما در هنگام  
قرائت سوره‌ی الحاقهٔ گریه می‌کند -  
کند؟!!

کدام یک از ما می‌لرزد وقتی  
سوره‌ی الزلزال را می‌شنود?!

## تدبر کردن در قرآن // 53

چه کسی وقتی سوره‌ی

القیامه را می‌خواند، توبه می‌کند؟!

این چیزی که بر قلبها قرار

گرفته است، چه می‌باشد! قلبهای ما

را از سنگ قرار داده است؟!

اگر این قرآن بر کوه نازل

می‌شد، فروتن می‌شد و از ترس از

الله تعالی شکاف می‌خورد، وای

قلبها قسی شده است؛ و آن به مانند

سنگ است و یا دارای قسوتی

بیشتر از آن ؛ ﴿وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ  
لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا  
يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا  
لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ  
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقره: 74] (و  
همانا نمونه‌هایی از سنگها هستند  
که از آنها نهرها می‌جوشد و از  
آنهاست که آب از آن خارج می‌-  
گردد و از آنهاست که از روی  
ترس از الله فرو می‌افتند و الله به

## تدبر کردن در قرآن // 55

آنچه انجام می‌دهید غافل نمی‌باشد) -

مواردی که به تدبر در قرآن  
کمک می‌کند:

1- إخلاص در طلب نمودن

آن:

اخلاص اساس درست بودن

اعمال و عبادات است؛ پس

شایسته‌ی کسی که رو به خواندن

قرآن می‌کند این است که نیت خود

## 56 // تدبر کردن در قرآن

را برای الله تعالی در تدبر نمودن و فهم آن خالص گرداند و هرگز خواننده‌ی قرآن به آنچه از آن می‌خواند منفعت نمی‌برد مگر آن که نیت خود را در آن خواندن برای الله تعالی خالص گرداند.

هدف او نباید بالا رفتن یا شهرت یا جدل نمودن یا رسیدن به قسمتی از دنیا شامل مال، یا شغل یا بالا رفتن در بین نزدیکان یا

## تدبر کردن در قرآن // 57

ستایش مردم از وی باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ [الشوری: 20]  
(و کسی که کشت دنیا را بخواهد از آن به او می‌دهیم و در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد).

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يَبْتَغِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا لِيَصِيبَ بِهِ عَرْضًا مِنْ

أعراض الدنيا لم يجد عرف الجنة  
يوم القيامة» (کسی که علم ی را  
بیاموزد که شایسته بدست آوردن  
رضایت صورت الله تعالی در آن  
وجود دارد و هدف او این باشد که  
کالایی از کالاهای دنیا را بدست  
آورد، در روز قیامت بوی بهشت را  
نمی یابد).

همچنین فرموده است:

«اقرأوا القرآن قبل أن يأتي قوم

## تدبر کردن در قرآن // 59

یقیمونه إقامه القدح یتعجلونه ولا  
یتأجلونه» (قرآن بخوانید قبل از آن  
که آن را قومی برپا دارند که به  
مانند ظرف آب آن را برپا می‌دارند  
و ثواب نزدیک را از آن می‌خواهند  
و ثواب دور آن را ترک می‌کنند).  
معنای آن این است که در  
اجر بردن از آن عجله می‌کنند،  
گاهی با مال و گاهی برای  
خوشنمایی و به مانند آن.

ابن عباس رضی الله عنهما  
گفته است: «اگر حاملان قرآن به  
اندازه‌ی حق آن و آنچه‌ان که  
شایسته آن است، آن را بگیرند، الله  
آنها را دوست می‌دارد. ولی با آن  
دنیا را طلب می‌کنند و الله از آنان  
خشمگین می‌شود و آنان را نزد  
مردم خوار می‌کند».

اگر مقداری از آن در نیت  
خواننده‌ی قرآن وارد شد، بلید

## تدبر کردن در قرآن // 61

مبادرت به توبه و بازگشت نماید و  
اخلاص را شروع کند ولی این بار  
از روی ترس؛ زیرا اولین کسی که  
روز قیامت سوزانده می شود مردی  
است که: «تعلم القرآن وعلمه وقرأ  
القرآن فأتى به فعرفه نعمه فعرفها،  
قال: ما عملت فيها؟ قال: تعلمت  
العلم وعلمته، وقرأت فيك القرآن.  
قال: كذبت، ولكنك تعلمت العلم  
ليقال: هو عالمٌ، وقرأت القرآن

لیقال: هو قاری؛ فقد قیل. ثم أمرَ  
به، فسُحِبَ علی وجهه حتی أُلْقِيَ  
فی النار...» (قرآن را می آموزد و  
آن را آموزش می دهد و قرآن می -  
خواند و توسط آن آورده می شود،  
[الله تعالی] نعمتهایش را به او می -  
شناساند و او آنها را می شناسد،  
می فرماید: در چه به آن عمل  
کردی؟ می گوید: علم را آموختم و  
آن را آموزش دادم و برای تو قرآن

## تدبر کردن در قرآن // 63

خواندم. می فرماید: دروغ گفتی بلکه علم آموختی تا گفته شود: او عالم است و قرآن خواندی تا بگویند: او قاری است؛ همانا گفته می شود. سپس به آن امر می شود و بر روی صورت کشیده می شود تا آن که در آتش جهنم می افتد... تا آخر حدیث».

2- بزرگداشت الله تعالی و

## 64 // تدبر کردن در قرآن

دوست داشتنش:

هرچه عظمت الله تعالی و  
ترس از وی و محبت وی در قلب  
بزرگتر شود، قرآن نزد خواننده‌ی  
آن بزرگتر می‌شود.

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است:

«چیزی از بنده دربارهی درونش  
سوال نمی‌کند، مگر قرآن؛ اگر قرآن  
را دوست بدارد او همان کسی است  
که الله و فرستاده‌اش را دوست

## تدبر کردن در قرآن // 65

می دارد».

علامت دوست داشتن الله عَزَّ وَجَلَّ:

لین است که چیز را دوست

بداری که او دوست می دارد و لین

که کلامش را دوست بداری.

به عامر بن عبد قیس گفته

شد: چگونه است که در نماز

اشتباه سهوی نمی کنی؟ گفت: آیا

سخنی دوست داشتنی تر از قرآن

نزد من است تا به آن مشغول

## 66 // تدبر کردن در قرآن

شوم؟! گفته شده است: مناجات

حیب، احساس را غرق می‌کند.

عثمان بن عفان رضی الله عنه گفته

است: «اگر قلب ما پاک شود، از

کلام الله سیر نمی‌شود!».

لذتی که لذت برندگان هـ ی -

برند و نعمتی که به نعمت داده

شدگان داده می‌شود هیچ وقت به

مانند نعمتی که به تدبر کننده به

قرآن داده می‌شود، نمی‌باشد؛ زیرا

## تدبر کردن در قرآن // 67

آن لذتی است که دوست داران از سخن محبوبشان می‌برند و به آن انس می‌گیرند.

این امر حاصل نمی‌شود مگر با اعتقاد صحیحی که قرآن بر آن قرار دارد و آن اعتقاد سلف صالح می‌باشد و آن قرآن کریم سخن الله تعالی است که بر قلب محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده است؛ تا مردم را از تاریکی‌ها خارج کند و به سوی

## 68 // تدبر کردن در قرآن

نور [سوق دهد] و آن کلمات و آیاتی است که تلاوت شده است و شنیده شده است و نوشته شده است و هر اعتقاد باطل دیگری شما را از تدبر در قرآن و متوجه کردن روح به آن دور می‌کند.

ابن جوزی رحمه الله گفته است: «شایسته‌ی تلاوت کننده‌ی قرآن بزرگ است: بنگرد که چگونه الله تعالی به مخلوقاتش در رساندن

## تدبر کردن در قرآن // 69

معانی سخنش بر اساس فهم آنها  
لطف نموده است، و این که بداند  
آنچه قرائت می‌کند از سخن بشر  
نمی‌باشد و این که بزرگی سخن  
گوینده سبحانه او را حس کند و در  
کلامش تدبر نماید».

این قرآن است که نشان  
دهنده‌ی الله تعالی و نشان دهنده‌ی  
دوستاناران الله تعالی است؛ و بی  
هیچ شکی راهی برای رسیدن به

## 70 // تدبر کردن در قرآن

محبت و رضایتمندی وی با تلاوت نمودن و تدبر در آن می‌باشد.

### 3- حضور قلب پیدا کردن و

دقت در شنیدن آن هنگام تلاوت:

پیدا کردن راهی دیگر برای

بزرگداشت الله تعالی است؛ وقتی

الله در قلب بزرگ شود، سخنش نیز

بزرگ می‌شود؛ و هنگام خواندن

## تدبر کردن در قرآن // 71

باید حضور قلب داشت و به آن

گوش فرا داد؛ الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ  
قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

[ق: 37] (همانا در آن پندی است

برای کسی که دارای قلب [زنده]

است یا آن که به حضور قلب

گوش فرا دهد).

الله تعالی خبر داده است

شایسته کسی که با گوشه‌هایش

گوش می‌دهد این است که با قلبش  
شاهد آنچه باشد که تلاوت می‌شود.  
شود.

و سخنش عَجَلًا: ﴿لَمَنْ كَانَ لَهُ  
قَلْبٌ﴾ منظور قلبی است که زنده  
است و درباره‌ی الله تعالی تعقل  
می‌کند؛ همان گونه که الله تعالی  
می‌فرماید: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ  
مُبِينٌ \* لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا﴾ [یس:  
69, 70] (این چیزی نیست مگر

## تدبر کردن در قرآن // 73

یاد و قرآنی آشکار \* تا کسی که دارای [قلب] زنده است را بترساند) توسط آن چیزی بیان می‌شود که محل تأثیر پذیرفتن است و آن قلب زنده می‌باشد و آن چیزی که تأثیر می‌گذارد که همان قرآن است: «الذکری»، و همراه آن شرطی وجود دارد و آن گوش فرا دادن می‌باشد: ﴿الْقَى السَّمْعَ﴾ سپس مانع برطرف می‌شود و آن مشغولیت

## 74 // تدبر کردن در قرآن

قلب و غفلت داشتن آن می باشد؛  
الله تعالی با سخنش این را آشکار  
می فرماید: ﴿وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ به معنای  
آن که قلب او شاهد است و غافل  
و بی مبالات نمی باشد.

اگر تمامی آنها مهیا شود به  
اذن الله تعالی تأثیری ایجاد می شود  
که همان نفع بردن از قرآن و متذکر  
شدن به آن می باشد.

محمد بن کعب گفته است:

## تدبر کردن در قرآن // 75

«اگر ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾ و ﴿الْقَارِعَةُ﴾ را قرائت کنم و در آن تفکر نمایم برایم دوست داشتنی‌تر از آن است که شب نشینی کنم و [تمام] لیلین قرآن را به سرعت بخوانم.»

4- توبه و دور شدن از

گناهان:

تمامی گناهان به دین و دنیای انسان ضرر می‌رساند و آن از بزرگترین عوامل برای مریضی

قلب و قسوت آن می باشد؛ الله  
تعالی می فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى  
قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾  
[المطففين: 14] (بلکه آنچه کسب  
کرده اند، قلبهایشان را زنگ زده  
کرده است).

علما گفته اند: «الران» همان  
گناهی بر گناه دیگر است تا آن که  
گناهان بر قلب احاطه پیدا کنند و  
آن را بپوشانند و آن قلب بمیرد.

## تدبر کردن در قرآن // 77

کسی که دارای قلب مریضی  
است که توسط گناهان بیمار شده  
است، دورترین مردم نسبت به تدبر  
در قرآن می باشد؛ زیرا آن پرده‌ای  
در برابر راه علم است. آگاه باشید  
که جدایی از آن همان تقوای الهی  
است؛ الله تعالی می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ﴾ [البقره: 282]  
(از الله بترسید و تقوا پیشه کنید و  
الله به شما یاد می دهد).

ابن جوزی درباره‌ی بعضی از سبب‌هایی که جلوی تدبر در قرآن را می‌گیرد گفته است: «از آنها این است که تلاوت کننده‌ی قرآن بر انجام گناه اصرار داشته باشد یا آن که دارای صفت تکبر باشد یا آن که به هوای نفس مبتلا شده باشد و از آن اطاعت کند؛ و این سبب تاریکی قلب و زنگار گرفتن آن می‌باشد؛ و آن به مانند زنگ بر

## تدبر کردن در قرآن // 79

روی آینه می‌باشد: از تجلی یه یافتن  
حق جلوگیری می‌کند. قلب مثل  
آینه است و شهوت‌ها مثل زنگار و  
معانی قرآن مانند آن چیزی است  
که در آینه دیده می‌شود، و سختی  
دادن به قلب برای دور کردن  
شهوت‌ها مانند جلا زدن به آینه  
می‌باشد».

خصوصاً شایسته است: با  
اعضای بدن که تدبر توسط آنها

صورت می‌گیرد بلید از گناهان دوری نمود و اعضای بدن که برای تدبر استفاده می‌شوند: قلب، گوش، چشم و زبان است و استفاده‌ی این وسایل برای کار حرام باعث سود نبردن آنها از حق می‌شود؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ﴾ [فصلت: 5] (و گفتند: قلبهای ما از

## تدبر کردن در قرآن // 81

آنچه ما را به سوی آن دعوت می -  
دهی در پرده‌ای است و در گوش -  
هایمان سنگینی وجود دارد و بین  
ما و بین تو پوشاننده‌ای وجود  
دارد، پرده در برابر چشم باعث  
عدم دیدن می‌شود و سنگینی بر  
گوش باعث عدم شنیدن می‌شود و  
پرده بر قلب باعث عدم فهمیدن  
می‌شود.

چگونه خواندن قرآن و تدبر

## 82 // تدبر کردن در قرآن

در آن و فهم آن نیکو می‌شود و این  
در حالی است که چشم به حرام  
نگاه می‌کند؟!!

یا گوش به صداهای زشت و  
ساز شیطان گوش می‌دهد؟!!

یا زبانی که با غیبت، دو بهم  
زنی، دروغ، افترا، مسخره کردن و  
ریشخند کردن، نجس شده است؟!!

قرآن به مانند باران است؛  
چگونه است که باران بر سنگها و

## تدبر کردن در قرآن // 83

جا‌های سفت اثری ندارد و کسی از آن استفاده نمی‌کند، مگر خاک آماده؛ همچنین قرآن: وقتی بر زمین صالح نازل شود، از آن استفاده می‌شود و از آن تأثیر گرفته می‌شود و این زمین همان حس‌ها و قلب‌های سالم و پاکی است که قابل قبول هستند.

رمز لیدن است: پاداش و

مجازات از جنس عمل می‌باشند؛

## 84 // تدبر کردن در قرآن

وقتی روشنی چشم در برابر حرامها حفظ شود، الله تعالی نور را به چشم و قلب او می‌رساند و چیزی را می‌بیند که انسان کور که چشم را از حرامهای الله تعالی حفظ نمی‌کند، نمی‌بیند.

بدانید که شنیدن غنا و موسیقی از خطرناکترین گناهانی است که از تدبر در قرآن ممانعت به وجود می‌آورند:

## تدبر کردن در قرآن // 85

گناهی بزرگتر و خطرناکتر از شنیدن غنا و موسیقی و آلات طرب و لهو وجود ندارد که بتواند به اندازه‌ی این اعمال، انسان را از تدبر در قرآن دور کند این موارد، اموری هستند که قلب را از قرآن دور می‌کنند و آنها را از بزرگترین حیل‌های شیطان و دام‌های وی می‌باشند.

برای غنا خطرهای زیادی بر

قلب وجود دارد و آن و قرآن یکجا  
در قلب هرگز جمع نمی‌شود، زیرا  
بین آنها تضاد وجود دارد، همان  
گونه که ابن قیم رحمه الله گفته  
است:

حُبُّ الْكِتَابِ وَحُبُّ

الْحَنَانِ الْغَنَانَا

فِي قَلْبِ عَبْدِ لَيْسَ

يَجْتَمِعَانِ

همچنین گفته است: «قرآن

## تدبر کردن در قرآن // 87

شیطان و قرآن [خداوند] رحمان در  
قلب هرگز یکجا جمع نمی‌شوند».

قرآن به نیک‌ی و دوری از  
بدی امر می‌کند و از تبعیت هوای  
نفس و سبب‌های شرّ و شهوات  
نهی می‌نماید و این در حالی است  
که غنا به ضد تمامی آنها امر می‌کند -  
کند؛ باطل را زیبا جلوه می‌دهد و  
نفسها را به سوی شهوات و امور  
شرّ تحریک می‌کند و به سوی هر

زشتی اشاره دارد.

شکی نیست که هر

غیرتمندی اهلش را از شنیدن غنا

نهی می‌کند، همان گونه که از

سبب‌های تهمت آنها را دور می‌کند.

فضیل بن عیاض گفته است:

غنا دعوتگری برای زنا است.

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است:

غنا نفاق را در قلب رشد می‌دهد،

همان گونه که آب زراعت را رشد

## تدبر کردن در قرآن // 89

می دهد.

غنا باعث از بین رفتن حیا  
می شود و مردانگی را منهدم می کند  
و به سوی سبکسری و خفت سوق  
می دهد.

وقتی انسان دارای وقار و  
عقل باشد، هنگامی که به غنا گوش  
می دهد و به سوی آن تمایل پیدا  
می کند، عقل او ناقص می شود و  
حیای او کم می شود و وقار او از

## 90 // تدبر کردن در قرآن

بین می‌رود و شروع به کف زدن و رقص می‌نماید و می‌چرخد و تمایل پیدا می‌کند؛ قسم به الله آن عملی را انجام می‌دهد که مشروبات الکلی انجام می‌دهند و آن با شراب همزاد است و آن دو کودکانی هستند که با یک مادر شیر داده می‌شوند.

5- نگرستن به کتابهای

مفسران:

## تدبر کردن در قرآن // 91

تدبر صورت نمی‌گیرد مگر با فهمیدن آنچه تلاوت می‌شود و راه فهم قرآن با اطلاع یافتن از کتابهای مفسران شامل صحابه، تابعین و علمای بعد از آنها می‌باشد، کسانی که به امانت داری یا علم آنها گواهی داده شده است.

از این تفسیرها: تفسیر ابن کثیر، تفسیر البغوی و تفسیر طبری هستند که آنها تفسیر ماثور هی -

باشند.

بعضی خطا می‌کنند و قرآن را با رأی خود و بدون علم تفسیر می‌کنند و این خطر بزرگی برای انجام دهنده‌ی آن دارد؛ زیرا با این عمل به سوی خشم الله عَزَّ وَجَلَّ و خشم مؤمنان می‌رود؛ همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرًا مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ

## تدبر کردن در قرآن // 93

آمَنُوا ﴿﴾ [غافر: 35] (کسانی که در آیات الله بدون دلیلی محکم که به آنها رسیده باشد، مجادله و ستیز می‌کنند، خشم الله و کسانی که ایمان آورده‌اند در برابر آنها شدید می‌باشد).

دلیل آن غالباً همان گونه که الله عَزَّ وَجَلَّ باخبر ساخته است، تکبری است که از علم آموختن، تعلیم دادن و سوال نمودن باز می‌دارد؛ الله

تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ  
يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ  
أُتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا  
هُمْ بِبَالِغِيهِ﴾ [غافر: 56] (همانا  
کسانی که در آیات الله بدون دلیل  
محکمی که به آنها رسیده است،  
مجادله می نمایند و ستیز می کنند،  
در سه پینه هایشان جز [تکبر و]  
برتری جویی نیست [و] آنها به آن  
[برتری] نمی رسند). یکی از علماء

## تدبر کردن در قرآن // 95

گفته است: «اگر کسی با رأی خود چیزی درباره‌ی قرآن بگوید، حتی اگر درست گفته باشد، خطا کرده است.»

### 6- انتخاب نمودن زمانهای

مناسب برای قرائت و مکانهای شایسته:

زمانهایی که مناسب است:

1- زمان راحتی خواننده.

2- زمانی که آرامش در

حال و فکر او باشد و به امور دیگر  
مشغول نشود.

3- آرامش و عدم داد و

فریاد.

مکانهای شایسته: شایسته

است که از امور زشت خالی باشد

و به شکلی نباشند که ملائک به آن

وارد نمی‌شوند، مثل وجود

چیزهایی از قبیل تصویر و سگ. و

از صدای داد و فریاد دور باشد.

## تدبر کردن در قرآن // 97

الله سبحانه و تعالی در کتابش بهترین زمانها را برای خواندن قرآن معرفی فرموده است:

أ- در زمان نماز، و آن برترین زمانها برای تدبر در قرآن است؛ الله تعالی می فرماید: ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: 78] (و قرآن صبح [منظور نماز صبح است، زیرا در نماز صبح قرآن زیاد تلاوت می شود] همانا

## 98 // تدبر کردن در قرآن

قرآن صبح توسط [ملائئک] مورد  
مشاهده قرار می‌گیرد).

مفسران گفته‌اند: منظور از

قرآن الفجر: نماز صبح است.

اگر بنده در نمازش حضور

قلب داشته باشد و فروتنی و زاری

نماید، در قلعه‌ای در برابر آزار

شیطان و وسوسه‌های وی قرار

می‌گیرد و الله تعالی به او روی

می‌نماید و حالت تدبر و خشوع او

را کامل می‌کند.

ب- در شب؛ الله تعالی می-

فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ [المزمل: 6]

(همانا شب زنده‌داری در سازگاری

زبان و دل مؤثرتر و در سخن

استوارتر است).

﴿نَاشِئَةَ اللَّيْلِ﴾ منظور تمامی

ساعتهای آن است و هر ساعتی از

آن ناشئه است؛ به این نام نامیده

شده است زیرا در آن شروع می‌شود.

ابن عباس و ابن زبیر رضی الله عنهما گفته‌اند: «تمامی شب ناشئه است».  
خواندن در شب برتر است؛  
زیرا در آن سکوت مردم، نبودن  
صداها، راحتی بدن و قلبی که فارغ  
از هر چیز است وجود دارند؛ و آن  
دارای شدیدترین موافقت قلب با  
زبان می‌باشد و خاطر انسان برای

## تدبر کردن در قرآن // 101

خواندن آسوده می‌باشد.

به طور کلی: عبادت در شب

دارای شدیدترین نشاط است و

کاملترین اخلاص در آن وجود

دارد و بیشترین برکت و راحت‌ترین

در کسب ثواب می‌باشد.

بهترین زمانهای شب: وقت

سحر است و آن زمانی است که

پروردگار ما به آسمان دنیا نزول

می‌کند و بندگانش را ندا داده و

## 102 // تدبر کردن در قرآن

بنده به پروردگارش نزدیک می‌شود -  
شود و قلب او در قلعه‌ای در برابر  
آزار شیطان و وسوسه‌های آن قرار  
می‌گیرد.

ج- بعد از نماز صبح تا  
طلوع آفتاب و آن بعد از بزرگترین  
نماز است و آن نمازی است که  
[توسط ملائک] مشاهده می‌شود؛  
این وقت مبارکی است که  
پروردگار عَزَّوَجَلَّ دوست دارد تا در آن

## تدبر کردن در قرآن // 103

یاد شود و بزرگ بودن شأن آن را در کتاب عزیز زش در بس یاری از موارد بیان فرموده است؛ همچنان در سنت موجود است که تشویق شده است تا [بعد از نماز صبح] در مسجد نشسته شود و ذکر و یاد الله تعالی صورت گیرد تا آن که آفتاب طلوع کند و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند [که به آن نماز شروق می‌گویند]، و این برای انجام

دهنده‌ی آن اجر حج و عمره را دارد.

قرائت قرآن بهت‌رین ذکر است.

7- انتخاب مقدار مناسبی از زمان، برای قرائت نمودن قرآن، بدون آن که آن زمان زیادتر شود. همچنین قرائت نمودن باید با آرامی و ترتیل باشد:

هدف تدبر و فهمیدن آنچه از

## تدبر کردن در قرآن // 105

مقداری است که قرآن خوانده می-  
شود؛ کوشش نباید برای این باشد  
که چند آیه قرائت شده است، بلکه  
کوشش باید برای این باشد که  
چگونه از قرآن پند گرفته می‌شود؟!  
چگونه درباره‌ی خطا نمودن در  
برابر آن، تعقل صورت می‌گیرد؟!  
چه زمانی از آن درس گرفته می-  
شود؟!

أبو جمره به ابن عباس گفته

است: من دارای قرائت سریعی هستم؛ من قرآن را در سه [روز] می‌خوانم؟ او گفت: «خواندن سوره‌ی بقره در شبی و تدبر نمودن در آن و ترتیل آن برایم دوست داشتنی‌تر از آن چیز است که می‌گویی».

بیشتر علماء با ترتیل خواندن قرآن را مستحب دانسته‌اند؛ تا قاری در آن تدبر کند و معانی آن

را بفهمد.

لین هدایت پیامبر گرامی  
ما ﷺ است که حفصه رضی الله عنها  
گفته است: «کان رسول الله ﷺ یقرأ  
بالسورة فیرتلها حتی تكون أطول  
من أطول منها» (رسول الله ﷺ  
سوره‌ای را می‌خواند و آن را ترتیل  
می‌داد تا آن که دفعه‌ای بیشتر از  
دفعه‌ای دیگر طول می‌کشید).

در صحیحین از ابن

مسعود رضی الله عنه آمده است: مردی گفت:  
من مفصل<sup>۱</sup> را در یک رکعت می-  
خوانم، او فرمود: «هذا كهذ الشعر؛  
إن قوماً يقرؤون القرآن لا يتجاوز  
تراقبهم، ولكن إذا وقع في القلب  
فرسخ فيه، نفع» (این به مانند سریع  
خواندن شعر است، گروهی می آیند

---

<sup>1</sup> - مفصل از سوره‌ی حجرات است تا

آخر قرآن است. (مترجم)

## تدبر کردن در قرآن // 109

که قرآن می خوانند ولی آن از حنجره هایشان عبور نمی کند [و بر قلب آنها اثر نمی گذارد] ولی [باید دانست که قرآن فقط] اگر بر قلب واقع شود و در آن رسوخ پیدا کند، سود می دهد).

علماء گفته اند: قرائت قسمتی

با ترتیل برتر از قرائت دو برابر آن بدون ترتیل و در آن زمان است.

ترتیل برای لیدین مستحب

است که باعث تدبر، بزرگداشت و احترام بیشتر می‌شود و خواندن سریع از فهم قرآن و تدبر در آن جلوگیری می‌کند؛ الله عَلَيْكَ می‌فرماید:

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ [المزمل: 4]

(و قرآن را چنان که بلید شمرده بخوان)، الله عَلَيْكَ در کتابش می -

فرماید: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى

النَّاسِ عَلَى مَكَّةَ﴾ [الإسراء: 106]

(و قرآن را قسمت قسمت فرو

## تدبر کردن در قرآن // 111

فرستادیم تا برای مردم آن را با  
درنگ بخوانی).

8- از سبب‌های کمک شدن

به تدبر:

استمرار خواندن آن است

بطوری که قرآن ترک نشود؛ الله

تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا

رَبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ

مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: 30] (و رسول

می‌گوید: ای پروردگار! قوم من از

## 112 // تدبر کردن در قرآن

این قرآن دوری کرده‌اند و آن را ترک نموده‌اند).

دوری و ترک کردن کتاب

الله تعالی انواع مختلفی دارد:

از آنها: ترک تدبر در آن و

فهمیدن آن می‌باشد.

از آنها: دور شدن از آن و

عدول نمودن از آن و به سراغ

سخنان بشر رفتن است.

از آنها: دوری کردن از

## تدبر کردن در قرآن // 113

شنیدن آن می باشد.

از آنها: دوری کردن از شفا  
خواستن توسط آن و درمان نمودن  
با آن است.

از آنها: دوری کردن از حکم  
نمودن به آن و رجوع دادن حکم به  
آن می باشد.

زیاد کردن تلاوت قرآن به  
تدبر آن کمک می کند؛ در حدیث  
ابن عمر رضی الله عنهما از پیه مامبر

آمده است که فرمود: «لا حسد إلا فی اثنتین ... و ذکر منهما: رجل آتاه الله القرآن؛ فهو یقوم به آناء اللیل و آناء النهار» (حسادت وجود ندارد مگر در دو چیز... و از آنها یکی را یاد نمود: مردی که الله به او قرآن داده است و او آن را در ساعاتی از شب و ساعاتی از روز برپا می‌دارد).

قرآن همنش — ینی دارد؛

## تدبر کردن در قرآن // 115

همنشین قرآن این گونه دیده می‌شود که همیشه به تلاوت قرآن شوق دارد و همنشینی با قرآن بنده را به بهشت و درجات بالای آن سوق می‌دهد.

پس باید از ترک کردن قرآن و روی برگرداندن از آن و انتخاب چیزی پایین‌تر از آن شامل قصه‌ها، کتابها و مجلات به جای آن، بر حذر بود، زیرا آن دارای مجازات

شدیدی در دنیا و آخرت است، و مجازات آن، در آخرت شدیدتر و باقی تر می باشد؛ الله تعالی می -

فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: 124] (و

کسی که از ذکر من روی برگرداند، برای او زندگی تنگی خواهد بود و روز قیامت او را کور محشور می -

کنیم).

## تدبر کردن در قرآن // 117

اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِمَّا فرماید: ﴿وَمَنْ  
يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ  
شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ \* وَإِنَّهُمْ  
لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ  
أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: 36، 37]

(و کسی که از یاد [خداوند] بس یار  
رحمت کننده غافل و روی گردان  
شود، برای او شیطانی بر می گماریم  
و او (آن شیطان) همنشین وی می -  
گردد \* و آنها (شیطان ها)

## 118 // تدبر کردن در قرآن

آنان (انسان‌های غافل) را از راه  
[درست] باز می‌دارند و این در  
حالی است که می‌پندارند آنها  
هدایت شدگان هستند).

الله سبحانه با خبر می‌سازد که  
مبتلا کردن شخص به شیطان که  
همراه او است فقط به سبب روی  
گردانی و غافل بودن از یاد و  
ذکری است که بر فرستاده‌اش صلی الله علیه و آله  
نازل فرموده است.

## تدبر کردن در قرآن // 119

مجازات لین روی گردانی:  
همراه کردن شیطانی با وی و  
جلوگیری آن شیطان از راه  
پروردگارش است و این در حالی  
است که او می‌پندارد، هدایت شده  
است.

از الله بزرگ، پروردگار  
عرش بزرگ درخواست می‌نمایم تا  
قرآن عظیم را بهار دلهای ما و پاک  
کننده‌ی غمها و مشکلات ما قرار

## 120 // تدبر کردن در قرآن

دهد و راه فهمیدن و عمل کردن به  
آن را برای ما باز نماید، او گرداننده  
این امر است و بر آن قادر می‌باشد.  
الحمد لله رب العالمین، و الصلاة و  
السلام علی نبینا و سیدنا و إمامنا  
محمد، سید الأولین و الآخیرین، و  
علی آلہ و صحابته الطیبین  
الطاهرین، و علی من تبعه بإحسان  
إلی یوم الدین.

## تدبر کردن در قرآن // 121

